

سردفتران و جرایم مالیاتی!!

مسئولیت سقوط و سبیه روزی این گروه بگردن کیست؟

از فروردین سال ۴۶ که قانون مالیاتهای مستقیم اجرا شد و سردفتران اسناد رسمی در مورد مالیات معاملات و غیره واجد مسئولیت‌های تازه‌ای شدند موادی که مربوط به اخذ جرایم تأخیر تأدیة و تعلل در تسلیم فهرست بود بضرر سردفتران مورد تعبیر و تفسیرهای مخل و مضری! قرار گرفت و از همان تاریخ هم مبارزه مجله کانون علیه این وضع آغاز گردید بنحویکه اگر به مجلات منتشره ظرف پنج سال توجه فرمائید شماره‌ای را نخواهید یافت که در این مسورد مقاله و مقالاتی نداشته باشد و خوشحالیم که تلاش و کوشش ماتاحدی ثمر داد و بسا آخره ناگزیر از احاله موضوع به شورای عالی مالیاتی و طرح قضیه در این مرجع که آراء و نظرات صادره از آن برای مأمورین داری لازم‌الاتباع است شدند - در مجله منتشره در آذرماه ۱۳۴۷ تحت عنوان: «مگر با سردفتران اسناد رسمی عناد و لجاج خاصی وجود



دارد؟» هفت نکته را مورد بحث و انتقاد قرار دادیم که یکی از آنها موضوع جریمه و سنگینی و غیر قابل تحمل بودن آن بود و نوشتیم که برخلاف تمام موازین حقوقی و قضائی و مغایر با سیاست کلی دولت که پائین آوردن نرخ بهره است مقرر شده برای یک روز تأخیر علاوه از خسارت قانونی معادل ۲۰ درصد اصل مبلغ دریافتی بعنوان جریمه اضافه شود و آیا کسی فکر کرده که سردفتر این ۲۰ درصد را از کجا بیاورد؟ فرض کنید سردفتری ۱۰۰ هزار تومان مالیات گرفت و از ساعت ۱۰ تا آخر وقت اداری بانظار تا کسی ایستاد، یا ماشین در متن خیابان و دو چرخه و موتورسیکلت در حاشیه باوتنه زد و بجای صندوق دارائی از بیمارستان سر در آورد، یا بچه اش مرض حادی گرفت و ناچار شد خودش بسراغ دکتر و دوا برود و یا بهزار علت موجه و غیر قابل اجتناب دیگر که همه مولود زندگی ماشینی عصر ما است نتوانست یک هفته مالیات وصولی را ایصال دارد و وقتی با چنین جریمه ای مواجه شد یا اساساً قدرت پرداخت در خودش نمی بیند و لامحاله راه زندان را پیش میگیرد و آبرو و حیثیت یک عمر کار صادقانه را بر سر تحصیلداری مالیه و شغل جدید! و مضاعف! میگذارد و یا بفکر پرداخت و خواباندن سرو صدا بطور موقت می افتد که باز ناچار است از ریش پیوند سبیل کند و این جریمه غیر منتظره را از سایر وجوه جاری بپردازد و باز از لحاظ نتیجه فرقی ندارد و مانند کرم ابریشم در جستجوی روزه ای بخود می تند و چند روز دیرتر با جراثیمی سنگین تر و شاق تر عائله و دوستان خود را بانظار استخلاصش! و امیدارد و با اینکه جریمه یک نوع مجازات و از نوع حاد آن هم می باشد و در یک کشور دموکراسی فقط محاکم دادگستری حق اعمال آن را دارند متأسفانه در این مورد خاص کیفیت قاضی و مدعی و مأمور اجرا در وجود یک شخص متمرکز شده و این مأمور دارائی است که خود میبرد، و خود اندازه میگیرد و خود پرو می کند و بالاخره خود میدوز و طبیعی است از چنین آبلوسی کسی توقع تناسب و اندازه ندارد.

اگر مأمور فرضاً از قیافه سردفتر خوشش نیامد و یا سردفتر که بنابه خصیصه شغلی و مقام روحانیتی که دارد و مراجعین او را عادت داده اند که در سلام پیش دستی نکند وقتی وارد اطاق کار مأمور شد موقعیت خود را فراموش کرد و دیر تر از انتظار سلام داد و با این روش نفرتی در طرف ایجاد کرد و بهمین علت از تسلیم قبض باو خودداری شد و مثلاً گفتند قبوض مربوطه زیر چاپ !! است تکلیفش چیست ؟ و وقتی بدون قبض بسرکارش مراجعت کرد یا باید کارش را تعطیل کند و یا بیه بدبختی های آینده را به تن خود بمالد و خلاصه اگر سردفتری در قبال چنین قانونی ادعای تأمین و مصونیت کند یا جاهل است و یا قانون را مطالعه نکرده و چون سردفتر باقتضای شغلش هم شده مشمول هیچیک از دو فرض نیست پس باید اذعان کرد که فردائی مبهم و تاریک انتظارش را می کشد .

شورای عالی مالیاتی در تاریخ ۵۰۷۷۸۸ تحت عنوان اختلاف نظر ادارات دارائی در مورد اجرای ماده ۱۴۲ قانون مالیاتهای مستقیم نسبت بسردفتران اسناد رسمی و اتخاذ رویه ای واحد در سازمانهای وصول یکی از موارد هفت گانه که همان موضوع جریمه و باصطلاح شاه بیت غزل بود تحت مطالعه قرارداد و طبق رأی شماره ۱۷۴۲ ر ۵۰۷۷۸۸ مسؤلیت سردفتر را بدو قسمت متمایز تقسیم نمود :

الف - موردی که سردفتر مسؤل کسر مالیات نیز می باشد که در صورت تخلف مشمول جریمه مذکور خواهد بود .

ب- موردی که سردفتر مسؤل وصول مالیات شناخته شده که در این باب جریمه مقرر در ماده ۱۴۲ را شامل نمیشود و در صورت تخلف قابل تعقیب (منظور تعقیب انتظامی است) می باشد و در مواردیکه فقط مکلف به تسلیم فهرست ها و صورت ها شده و از تسلیم بموقع آنها خودداری نماید طبق ماده ۱۴۱ تعقیب خواهد شد .

در این جا وظیفه خود میدانیم از جناب آقای دکتر آموزگار وزیر محترم دارائی و رؤساء مسؤول و اعضاء محترم شورای عالی مالیاتی تشکر کنیم و تصدیق می کنیم تا آنجا که منطوق قانون اجازه میداده بار جریمه غیر قانونی را از دوش سردفتر برداشته اند و بحث در این باره را که قانون کلمه (مکسوره) را بجا و بمورد استعمال کرده یا نه؟ و در مواردیکه پولی تحویل سردفتر نمیشود کلمه (مکسوره) مصداق پیدا نمیکنند بعد موکول می کنیم. ولی ناچار از ذکر این مطلب هستیم که عدۀ زیادی از همکاران مادر طول این پنج سال برخلاف نظر فعلی شورای عالی تحت تأثیر تورم تهدید آمیز ارقام جریمه از هستی ساقط شده اند و مسیر زندگی آنها بکل عوض شده، همه چیز خود را از دست داده اند و بعضاً نیز که تاب مقاومت و تحمل نداشته اند دق کرده و مرده اند و یک مشت عائله بی سرپرست را از خود بجای گذاشته اند آیا کسی هست که مسئولیت بدبختی آنان را قبول کند؟ و لاقبل بقدر ممکن با زماندگان شان را مورد عنایت دولت و وزارت دارائی قرار دهد؟

اگر فرض کنیم (در این مورد این فرض نه تنها محال نیست بلکه عیناً با واقع تطبیق میکند) که قضات محکمه مجازات سدمعبر را که صرفاً يك امر خلافی و مرتکب باید به ۱۱ روز زندان قابل خرید محکوم شود با تفسیر غلط مصادره اموال تلقی کنند و این حکم را درباره عده ای از مرتکبین خلاف سدمعبر هم اجرا نمایند و بعد از پنج سال مراجع عالی آنان را متوجه این اشتباه بنمایند تکلیف بعد از صدور رأی معلوم است و هیچکس برخلاف آن عمل نمی کند ولی تکلیف آنان که با ارتکاب يك امر خلافی هستی خود را از دست داده اند چیست؟ و اگر از نظر معنوی هم قابل جبران نباشد آیا از جنبۀ مادی چه باید کرد؟

با اعتمادی که دوست و دشمن به حسن نظر و قاطعیت شخص وزیر دارائی دارند و ماهم در موارد عدید شاهد آن بوده ایم انتظار داریم ضمن تعیین

تکلیف این دسته مقرر فرمایند کمیونی از صاحب نظران دارائی با شرکت نماینده کانون سردفتران تشکیل و به کلیه موارد نقص و ابهام رسیدگی و بالممره تکلیف را روشن کنند و مخصوصاً در مواردیکه احتیاج به اصلاح قانون دارد (در مورد قانون مالیاتها مسلماً این وضع بعد از پنج سال که نواقص و ابهامات يك قانون تازه و نووسيله مأمورین اجرا کشف و پیشنهاد خواهد شد قطعی است) با حضور نماینده کانون اقدام نمایند زیرا اگر قرار باشد باز هم نسبت باموریکه اجرای آن مطلقاً در اختیار دفاتر رسمی قرار گرفته و اظهار نظر آنها بنا به تجربه عملی از لوازم جامعیت قانون خواهد بود بخواهند در اطاقهای در بسته و بدون شور و اطلاع آنها اقدام نمایند مسلماً چنین اصلاحی وافی به مقصود نبوده اساساً اصلاح تلقی نمیشود .

جمال الدین جمالی

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

